



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و چهارمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۳۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره گزارش: ۱۴۰۳۰۷/۹۶/۱۰۴/۱	شناسه گزارش
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی * یکصد و چهارمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰	
واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی، عقد مرابحه.	
تاریخ انتشار گزارش: پاییز ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

- اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) ۴
- مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: «جمع‌بندی نهایی در رابطه با مصوبه کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی
(کارگروه قم) پیرامون شبهات شرعی کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور»..... ۵

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) ^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله حسن آقا نظری شاهرودی (عضو شورای فقهی)
۴. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی (نایب رئیس شورای فقهی)
۶. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی)
۷. آقای دکتر فرشاد محمدپور (معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر عباس عرب مازار (مشاور رئیس کل بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر محمد نادعلی (مدیر کل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی)
۱۱. آقای علی معروف خانی (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۲. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۳. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. خانم زهرا نظری (رئیس گروه اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۵. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. خانم مریم بیدخوری (محقق اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۸. آقای احمد فرمانی (محقق اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۹. آقای کوروش بروچی (محقق اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان دکتر افشار و دکتر فهیمی در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: جمع‌بندی نهایی در رابطه با مصوبه کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی (کارگروه قم) در رابطه با موضوع شبهات شرعی کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور

قرائت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

مصباحی‌مقدم: قبل از دستور موضوعی نداریم؟ پس وارد دستور می‌شویم، سرکار خانم، بفرمایید دستور چیست؟

خانم نظری: دستور جلسه‌ای که خدمت اعضا ارسال شده بود، شامل دو موضوع است؛ یکی بحث جمع‌بندی در رابطه با کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور که مصوبه کارگروه تخصصی قم بود و دستور دیگر در مورد طراحی شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع با نرخ سود شناور در بانکداری اسلامی است. با اجازه ریاست محترم، ابتدا دستور مربوط به بحث مرابحه را مطرح می‌کنیم.

مصباحی‌مقدم: موضوع مرابحه را مطرح کنید.

خانم نظری: در خدمت دکتر نادعلی نیز هستیم، ضمن عرض خیرمقدم، به دستور می‌پردازیم؛ بحث سود مرابحه. در خصوص عقد مرابحه، بعد از اینکه طبق مفاد (۹۸) قانون برنامه پنجم، عقد مرابحه به عقود تعریف شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا (سود) اضافه شد، آیین نامه‌ها و دستورالعمل اجرایی آن نیز مصوب و ابلاغ گردید و متعاقب آن فرم یکنواخت عقد مرابحه نیز بر اساس الزامی که قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار برای بانک مرکزی قرار داده بود، تهیه و تدوین و پس از تصویب در شورای پول و اعتبار، در سال ۱۳۹۴ به شبکه بانکی ابلاغ شد. بعد از گذشت نزدیک به ۱۰ سال از اجرای این عقد، چند ایراد به لحاظ ماهوی و نگارشی در فرم عقد یکنواخت وجود داشت که این امر در دستور کار کارگروه تخصصی قم قرار گرفت. بزرگواران در این کارگروه موضوعاتی را مطرح کردند که در نهایت منتج به جمع‌بندی و مصوبه‌ای شد که امروز خدمت شما و اعضای محترم ارائه می‌شود تا در مورد آن تصمیم‌گیری شود.

اولین موضوع کارگروه تخصصی، در مورد ماده (۲) فرم قرارداد یکنواخت است. در این ماده عنوان شده است که: «موضوع قرارداد عبارت است از فروش اموال و یا ارائه خدمات به متقاضی با مشخصات ذیل». در واقع بخشی است که تسهیلات گیرنده مشخصات کالایی که بناست بانک برای او بخرد را تکمیل می‌کند. در فراز پایانی این ماده آمده که متقاضی از کمیت، کیفیت و اوصاف مورد معامله مطلع است و حسب درخواست و تعهدنامه در تاریخی که به امضای وی رسیده است، متعهد به خرید یا دریافت آن از بانک یا مؤسسه اعتباری شده است.

در رابطه با ماده (۲)، دو موضوع مطرح شده است. یکی بحث شکلی که در سطر ماده بحث ارائه خدمت و فروش اموال آمده است. به علت آنکه در واقع مرابحه را بیع قرار دادیم؛ فرم یکنواخت بیشتر ناظر بر فروش کالا بوده و شامل خدمت نبوده است، این موضوع مطرح بود که ارائه خدمت کجاست؟ احکامش که نمی‌شود مانند آنها باشد. این موضوعی است که ظاهراً یا سهواً در فرم یکنواخت مغفول واقع شده که البته توسط ناظرین شرعی شورای فقهی نیز مورد ملاحظه قرار گرفته و به دبیرخانه منعکس شده است. اگر این موضوع را کنار بگذاریم، موضوع مهمی که وجود دارد، بحث تعهد است که در انتهای ماده (۲) مشاهده می‌کنید. متقاضی تسهیلات به بانک متعهد می‌شود که کالا را بخرد. در رابطه با آن بحثی از منظر فقهی

مطرح شده است، ایراد بیع‌العینه بودن است. در خصوص تعهد، به نظر می‌رسد ایراد متصور است؛ لذا اعضای کارگروه تخصصی قم نظر داشتند که این تعهد باید برداشته شود و نباید متعهد به خرید باشد. در مصوبه‌ای که خدمتتان ارائه می‌شود، پیشنهاد داده بودند که برای این تعهد (مشتری حتماً ملزم شود به اینکه کالایی که بانک برای او خریده است را تحویل بگیرد) چه راهکار دیگری می‌توانیم داشته باشیم تا بحث بین‌العینه بودن از بین رود. پیشنهادشان این بود که تعهد از انتهای ماده (۲) حذف شود. موضوع را ادامه بدهیم یا ماده به ماده بحث می‌شود؟

مصباحی مقدم: اجازه بدهید اصل مسئله را به نظر دوستان بگذاریم و ببینیم که مناقشه را قبول دارند یا قبول ندارند. بعد نسبت به اینکه راه حل چیست گفتگو کنیم.

رضایی: در مورد اینکه آیا در این موضوع بیع‌العینه رخ می‌دهد یا خیر، اول باید تلقی که از بیع‌العینه در کتاب‌های فقه آمده، بررسی شود. فرمودند اگر کسی کالایی را به یک نفر نسبه بفروشد و از همان فرد نقد بخرد، یا اینکه نقد بفروشد و نسبه بخرد، اشکال دارد. این یا احتیاط واجب بوده یا فتوا است. همچنین، گفتند اگر بیع دوم در بیع اول شرط شود، این اشکال پیدا می‌کند؛ دو بیع بین دو نفر که پشت هم در واقع رخ می‌دهد. یعنی یک خرید و فروش است که بانک از شرکتی یخچال می‌خرد و یا از مغازه‌ای لباسشویی می‌خرد، فردی که می‌خواهد تسهیلات بگیرد، نماینده بانک می‌شود و می‌رود پول بانک را می‌دهد و کالا را برای بانک تملک می‌کند. بعد خود این فرد خواهان تسهیلات است، می‌گوید من که برای بانک کار نمی‌کنم. من می‌خواهم آن کالا را برای بانک بخرم که بعداً بانک به من بدهد؛ یعنی بنای اصلی همین است. کالایی که دارد برای بانک می‌خرد به خودش بفروشد. این را، چه بنویسد چه ننویسد، متعهد است. در غیر این صورت اصلاً پایش به بانک باز نمی‌شد. من می‌خواهم بگویم شبهه بیع‌العینه اینجا مطرح نیست؛ زیرا یک معامله بیشتر انجام نشده. بانک دارد کالای خودش را به متقاضی تسهیلات می‌فروشد، فقط متقاضی قبول کرده که نماینده بانک باشد و به نظر می‌آید این بیع‌العینه نیست. حالا آیا این تعهد اشکالی دارد یا نه؟ فرمایشی آقای نظری‌شاه‌رودی می‌فرمودند که تعهد عملی یا شرط حقوقی یا مثلاً تعهد حقوقی است. از فرمایش ایشان استفاده کنیم. به کسی که به بانک می‌آید، می‌گوییم پول را برای چه می‌خواهی؟ می‌گوید می‌خواهم کولر بخرم. می‌گوید باشد، من می‌خرم و به تو می‌فروشم. یک لحظه هم رخ می‌دهد. اینکه در مرحله دوم ایشان بگویند شاید من نخواهم مجدداً کالا را بخرم. اول با انگیزه خرید برای بانک آمده ولی در ثانیه دوم که می‌خواهد به خودش بفروشد، منصرف شود؟ بسیار خوب، اگر نمی‌خواهد می‌تواند به همان فروشنده بفروشد و پول را برگرداند. به نظر نمی‌آید این موضوع اشکالی داشته باشد.

اسلامیان: فکر می‌کنم بیع‌العینه این نباشد. بیع‌العینه این نیست که مثلاً بنده لپ‌تاپ حضرت‌عالی را می‌خرم و شما با من شرط می‌کنید وقتی خریدی باید به من بفروشی. ظاهراً بیع‌العینه این است: من می‌روم به فروشنده یخچال می‌گویم من فلان یخچال را می‌خواهم. او نیز الان ندارد. می‌گوید می‌روم برایت تهیه می‌کنم. نمی‌خواهم بگویم شبهه‌شان وارد است؛ ولی شبهه‌شان شبهه خوبی است. به خاطر اینکه در روایاتشان، روایات خاصه دارد. در روایت دارد: «ألیس ان شاء ترک و ان شاء ما ترک». به نظرم این آقایانی که این اشکال را مطرح کردند، از روایات این‌طور برداشت کرده‌اند که اگر بخواهد این معامله را ترک کند و آن جنس را قبول نکند، این اشکال ندارد. اگر قبول کند، این اشکال دارد. پس تعهد به علت آنکه اختیار را از آن می‌گیرد، مشمول روایات بیع‌العینه می‌شود. این موضوع را باید استفتاء کرد.

من احتمال می‌دهم در «الیس ان شاء فعل و ان شاء اخذ و ان شاء ترک» شبهه اینجا است که این را برای شما می‌خرد یا برای خودش می‌خرد. اگر برای شما بخرد، در واقع یک معامله اتفاق افتاده است. اگر تاجر برای خودش بخرد، بعد به شما بفروشد، دو تا معامله می‌شود. یعنی روایت می‌فرماید ملاک این است که مسلوب‌الاختیار نباشد. اگر مسلوب‌الاختیار نبود، معامله درست است. اگر مسلوب‌الاختیار بود، این معامله درست نیست. اینجا با این تعهد مطروحه، مسلوب‌الاختیار می‌شود؛ لذا می‌گویند این را حذف کنید؛ ولی اگر به این صورت روایات را معنا نکردیم و گفتیم که «الیس ان شاء اخذ»، امام علیه‌السلام می‌خواهند بفرمایند که آیا در معامله، تاجری که یخچال را تهیه می‌کند آن را به شما بفروشد، در واقع یخچال را برای شما می‌خرد و خود از اول حق هیچ دخل و تصرفی ندارد و صرفاً اجرتی می‌گیرد. یا اینکه برای خودش می‌خرد و بعد به هر قیمتی خواست بفروشد، ظاهراً بیع‌العینه این باشد. اما اینکه من از مغازه‌دار بخرم و شرط کند یا من شرط کنم که باید به خودم بفروشی، این بیع‌العینه نباید باشد.

تمام بحث به این برمی‌گردد، «الیس ان شاء اخذ و ان شاء ترک» را ما این‌طور معنا کنیم یا به ظاهرش اخذ کنیم. این آقایان ظاهراً به ظاهرش اخذ کردند. بنده احتمال می‌دهم که اینجا نباید به ظاهر اخذ بشود؛ ولی علی‌ای حال نه نظر آن آقایان بزرگوار قم متبع است و نه عرض حقیر متبع است، باید استفتاء شود.

مصباحی مقدم: ببینید خود بنده بحث بیع‌العینه را به تفصیل کار کردم و درس دادم. بنده ۱۶ روایت را در باب العینه بررسی کردم. چهار روایت سنداً و دلالتاً بیع‌العینه را اصلاً تجویز می‌کند و مخالف بقیه روایاتی است که منع می‌کند. در بیع‌العینه سخن از دو معامله متعاقب هم است، در معامله اول انجام معامله دوم شرط می‌شود. اگر شرط نشود می‌شود: «الیس ان شاء فعل و ان شاء ترک، ان شاء باع و ان شاء لم یبع، و ان شاء اشتری و ان شاء لم یشر»؛ بنابراین اگر در بیع اول انجام بیع دوم تعهد نشده باشد، اشکالی ندارد. فردی سؤال می‌کند: من گوسفندانی را به شخصی می‌فروشم، بعد از او می‌خرم. حضرت فرمود که «لابأس به». می‌گوید: «اشتری مالی»، مال خودم را دارم می‌خرم. حضرت فرمود: «لیس هذا مالک و لا هذا غنمک»، نه این مال توست و نه این غنم توست. تو فروختی و آن هم مالک شده است و اینجا حمل می‌شود بر اینکه بیع دوم در بیع اول شرط نشده بوده است. پس دقیقاً مسئله بیع‌العینه اشترط بیع دوم در بیع اول است. اگر چنین اشترطی بین این دو بیع نباشد خارج از موضوع بیع‌العینه است. ضمناً در بیع‌العینه خود عینه نشان دهنده عین، یعنی عین آن چیزی که در معامله اول و دوم خریداری می‌شود.

در مانحن‌فیه در موضوع مورد بحث ما، اصلاً دو تا معامله نیست. از ناحیه مشتری تعهد خرید است. عبارت همین است: تعهد به خرید. این تعهد به خرید، تعهد ابتدایی است یا تعهد ضمن یک معامله‌ای است که به اصطلاح به آن تعهد می‌گویند. مثلاً بیع صلح و امثال اینها، ظاهر قضیه این است که این تعهد، تعهد ابتدایی است. فقها در مورد تعهد ابتدایی دو رأی دارند: یک رأی این است که تعهد ابتدایی لازم الوفا نیست. تعهد و شرطی لازم الوفا است که ضمن معامله لازمی دیگر آمده باشد؛ بعضی از فقها این‌طور می‌گویند. اما بعضی از فقها قائل به این هستند که تعهد ابتدایی هم لازم الوفا است. حضرت آقا از کسانی هستند که قائل به لزوم وفا به تعهد و شرط ابتدایی هستند. به نظر می‌رسد اینجا هم مصداق شرط ابتدایی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد اشکالی که دوستان در جلسه قم مطرح کرده‌اند اصولاً اینجا موضوعیت ندارد.

عرب‌مازار: در این موضوع سه نفر درگیرند. اگر موضوع نماینده بودن حذف شود، بانک یک وسیله‌ای را نقد می‌خرد، بعد به شما نسیه می‌فروشد. این دو معامله بین سه نفر است. یعنی این جور نیست که هم زمان خریده باشیم و دوباره به خودمان بفروشد.

مصباحی مقدم: نه این طور نیست که از او بخرد و به خودش بفروشد؛ بحث دقیقاً در مورد این کلمه تعهد است؛ در قانون آمده است که خریدار به متقاضی تعهد می‌دهد، آنچه را برای بانک خریده است از او بخرد. می‌گویند اشکال در آن تعهد است، این تعهد نباید باشد.

اسلامیان: منشأ اشکال آقایان همین است؛ اما فرمایش شما درست است؛ به خاطر اینکه ما بین سه نفر است. کارخانه، فروشنده و من خریدار، من می‌روم به مغازه‌دار می‌گویم که یک یخچال می‌خواهم، می‌گوید الان ندارم ولی برای تهیه می‌کنم. مغازه‌دار می‌رود از کارخانه می‌خرد؛ اینجا صورت مسئله ظاهراً این می‌شود که اگر مغازه‌دار می‌رود از کارخانه برای من به وکالت می‌خرد؛ اینکه هیچ، «لیس انشا اخذ و انشا ترک» نیست، مال من است، این اشکال پیدا می‌کند. اما اگر برای خودش می‌خرد، من مختار هستم بخرم یا نه؟ این بیع‌العینه می‌شود و صورت مساله این است. در واقع دو معامله شکل خواهد گرفت؛ یعنی اول مغازه‌دار از بانک می‌خرد، بعد به من می‌فروشد. اگر به این صورت باشد، روایت دارد: «لا بأس به»؛ این اشکالی ندارد. اما اگر مغازه‌دار از بانک برای من می‌خرد و من حق ندارم این معامله را قبول نکنم، اشکال پیدا می‌کند. ظاهراً بیع‌العینه همین است: من از مغازه‌دار می‌خرم به شرط اینکه به خودش بفروشم.

رضایی: چون روایت‌ها خیلی مختلف است، بعضی از اساتید مثل حاج آقای شهیدی یا بزرگان دیگر در تدریسشان پنج- شش نوع بیع‌العینه تعریف می‌کنند که هر کدامشان قابل بررسی است. آن چیزی که اشکال دارد، همان است که شما فرمودید. اهل سنت عقیده دارد اگر چیزی را ما از کسی بخریم، می‌گویند شما دیگر حق ندارید به خودش بفروشی ...

مصباحی مقدم: مگر اینکه بینش فاصله‌ای بیفتد، حضرت فرمود این یک فاصله است.

رضایی: فاصله زیادی بیفتد، اشکالی ندارد. مهم این است که از اول بنایش بر این بوده است که دارد می‌فروشد و می‌خواهد با شرط بخرد یا اینکه اینچنین بنایی نداشته است. بگذارید من عبارت را بخوانم. اینجا در مسئله ۴ بیع نقد و نسیه در تحریر کتاب بیع آمده است: «لو باع شیئا نسیئةً يجوز شراءه منه قبل حلول الاجل و بعده» یعنی اگر نسیه هم فروخت می‌تواند آن را بخرد. حالا می‌خواهد بعد از اجل یا قبل از اجل، «بجنس الثمن او بغيره سواء كان مساوياً للثمن الاول ام لا و سواء كان بيع الثانی حالا او مؤجلاً و انما يجوز ذلك اذا لم يشترط بالبيع الاول» باشد، در بیع اول شرط نشده باشد «فلو اشترط البایع فی بیعه علی المشتري ان یبیعه منه بعد شرائه».

اسلامیان: اصلاً مسئله اینجا، این نیست.

رضایی: بله نیست.

مصباحی مقدم: دقیقاً بیانی که بنده عرض کردم همین است.

اسلامیان: مسئله بیع‌العینه اصلاً این نیست.

مصباحی مقدم: ظاهراً همین است، از بابت اینکه بیع دوم در بیع اول شرط شده است، باطل می‌دانند؛ ولی همین مصداق بیع‌العینه است.

اسلامیان: آنچه که الان سؤال است، این نیست و این یک شبهه دیگری دارد.

مصباحی مقدم: آنچه که دوستان قم مطرح کردند، آن را دارید می‌گویید؟

اسلامیان: این مسئله‌ای را که آقای رضایی بیان کردند، دو طرف دارد. اما مسئله‌ای که دوستان قم مطرح می‌کنند، سه طرف دارد.

رضایی: بله.

اسلامیان: نه؛ این اشکال خودش را دارد.

مصباحی مقدم: در این صورت ساده‌تر است.

اسلامیان: این روایات دیگری دارد، من الان نمی‌خواهم به روایات استناد کنم.

مصباحی مقدم: اگر روایت دارد، بیاورید ببینیم.

اسلامیان: من در جایگاهی نیستم که استدلال کنم، باید فتوا پرسید؛ ولی این مسئله‌ای که آقایان گفته‌اند اصلاً به این مسئله نظر ندارد و اشکال دیگری دارد و آنها ظاهراً توجه به همین متنی که آقای رضایی خواندند، کرده‌اند و لذا می‌گویند تعهد را حذف کنید، ولی اصلاً این مسئله، آن نیست.

مصباحی مقدم: به هر حال الان صورت مسئله چیست؟ پیشنهاد دوستان قم است که در بحثشان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که مباحه فعلی با این اشکال روبرو است که متقاضی مباحه عهد می‌کند، اگر بانک برای او یخچالی را خرید، متقاضی مباحه متعد است از بانک خریداری کند. دقت می‌کنید، اشکال دوستان این است. این مصداق بیع‌العینه است؟

نظری‌شاه‌رودی: بحث این است که ما می‌توانیم مشتری را بکار بگیریم و بگوییم «ان شاء باع و ان شاء ترک، ان شاء اشتری و ان شاء لم یشر، اذا شاء باع و اذا شاء لم یبع» چرا این را فرموده‌اند یک وقت در نماز است می‌گوییم که خوب تعبدی است بحث تعبد دارد و معلوم است. یک وقت زمان معاملات است در معاملات چرا فرموده‌اند این کار را نکن، فکرش را کرده‌ایم که چرا امام فرمودند این کار را نکن؛ در یک کشور که امروز در بانکداری‌اش آمار داده است که من ربا را حذف می‌کنم و هر کس در بانک می‌خواهد تسهیلات بگیرد، می‌گویم بسیار خوب این تسهیلات را برای چه می‌خواهی می‌گوید یخچال می‌خواهم یا کارخانه می‌خواهم، آن وقت کارخانه را می‌خرد و به شما می‌فروشد، شما قبول می‌کنید، خب من کارخانه را نقد می‌خرم ۱۰۰ میلیون تومان، آن سود باز پس‌گیری بانک؛ سود ربوی را می‌آوریم در اینجا پیاده‌اش می‌کنم، می‌گویم این کارخانه را ۲۰ ماهه به شما می‌فروشم به ۱۳۰ میلیون تومان تمام شد رفت. بعد در سطح بین‌المللی عنوان می‌کند که من ربا را حذف کردم، از این معامله دوم که شرط معامله اول است و معامله اول شرط معامله دوم است از این استفاده می‌کند و با آن نرخ سود تضمین شده را محاسبه می‌کنیم. همه بحث اینجا است نه جای استفتاء است نه جای اختلاف روایات بوده است.

بحث این است که یک بازاری است به نام بازار سرمایه پایه بانکی، بانک تسهیلات می‌دهد به بانک بگویید بیع دوم شرط بیع اول باشد هیچ مشکلی ندارد می‌گوید من اصلاً دنبال هیچ قرارداد دیگری نمی‌روم، چه چیزی می‌خواهی؟ مثلاً فرضاً من یخچال می‌خواهم، می‌گویم من نقداً می‌خرم، نسیه‌ای به شما می‌فروشم، دو تا معامله انجام می‌دهم شما هر دو معامله را امضا کن، من هم به او می‌گویم این پول را بگیر و یخچال را به صورت نقد بخر و به این قیمت به خودم به صورت نسیه‌ای

بفروش و تمامش می‌کنم. منتهی به این جمله روایت دقت کنید خدا امام را و شهید صدر را رحمت کند، شهید صدر به یک صورت تسلط بر کار داشت، امام هم به صورت دیگری، لکن در این جهت مشترک بودند که راه‌های خلاص از ربا را جایز نمی‌دانستند. حالا بحث‌های فقهی در قم نیز ناظر به این هستند که راه فرار از ربا را در بازار سرمایه پایه بانکی تجویز نکنید، این احتیاج دارد به یک بحث جدی و خودتان نیز، کسانی که با ماهیت معاملات بانکی و ساختار بانکی ایران آشنایی دارند، **مصباحی مقدم** : بفرمایید آقای اسلامیان.

اسلامیان: من از اول عرض کردم این معامله سه طرف دارد، این طور نیست که من بخرم و آن طرف شرط کند می‌فروشم به شرطی که به من برگردانی؛ بحث این نیست. بحث این است که سه طرف دارد اصلاً یک چیز دیگری است، ما هم اینجا بالاخره از موضع استدلال خودمان که نمی‌خواهیم فتوا بدهیم بنده عرضم این است که عین این مسئله را باید استفتاء کرد، حضرت امام رضوان‌الله علیه این اواخر خیلی از موارد فرار از ربا را اشکال می‌فرمودند ولی این بانکداری اسلامی، اگر به آن عمل شود تمامش فرار از ربا است، همه می‌دانیم اگر عمل شود فرار از ربا است، ولی الان نه، باید ببینیم که نظر کسی که به این شورا مشروعیت داده است، چیست؟ در آن متنی هم که آقایان فرستاده بودند من نگاه کردم یکی از بندهای آن همین است، ملاک، نظر رهبری است، البته خود آقا فرموده‌اند اگر من نظری نداشتم و مبنا نظر حضرت امام است و اگر نظر حضرت امام در اختیار نبود نظر مشهور فقهای موجود معیار است. زیرا مردم می‌خواهند عمل کنند مردم نه مقلد بنده هستند نه مقلد آقای نظری‌شاه‌رودی نه مقلد سروران دیگر، الان مسئول کشور رهبری است، رهبری نیز می‌فرمایند من باید در پیشگاه خداوند پاسخگو باشم باید به نظر خودم درست باشد اگر نظر نداشتم به نظر امام و اگر امام نظری نداشت نظر مشهور.

مصباحی مقدم : بسیار خوب ببینید آیین‌نامه اجرایی قانون عملیات بانکداری بدون ربا مبنا است و الان ۴۰ سال است تقریباً مطابق این انجام می‌گیرد، البته در خصوص مرابحه از سال ۹۴ به بعد مطرح است؛ ولی آیین‌نامه همان آیین‌نامه است و مورد قبول و اجرا قرار گرفته و الان جاری است مطابق همان آیین‌نامه دارد عمل می‌شود هیچگاه شورای محترم نگهبان نیز این آیین‌نامه را نقض نکرده است و این امر روال شده، جریان پیدا کرده، مورد استنکار قرار نگرفته و پذیرفته و رویه شده است. الان این رویه، رویه‌ای است مقبول و مورد مناقشه قرار نگرفته است، دوستان در قم بنا بر بعضی از مطالعاتی که کرده‌اند و بعضی از مقالاتی که نوشته شده که من آنها را نیز دیده‌ام، گفته‌اند آنچه که دارد در بانکداری در باب مرابحه انجام می‌گیرد، این مورد اشکال است و به نظر می‌رسد که این اشکال لاقلاً نسبت به آن چیزی که اکنون مطرح است وارد نیست، از این جهت گمان می‌کنم باید پرونده این اشکال را مختومه کنیم و نیاز به استفتاء ندارد. اینکه می‌فرمایید باید استفتاء شود این امر مجهول نیست که نیاز به استفتاء داشته باشد.

اسلامیان: نه این متنی که آقای رضایی می‌خواندند و حضرتعالی استناداً به آن مسئله می‌فرمایید، سؤال نمی‌خواهد، درست است این روشن است و این معامله دو طرفی است. این بحثی که آنها کرده‌اند سه طرفی است ماهیتش با آن فرق می‌کند و این را باید استفتاء کرد.

مصباحی مقدم : بنده عرض می‌کنم اگر آنجا اشکال دارد به دلیل اینکه دو طرفی است اگر سه طرفی شد بالکل موضوع اشکال برطرف می‌شود.

اسلامیان: این به دلیل روایات خاص است.

مصباحی مقدم: اگر روایات را دارید بیاورید بعد از آن ما وارد استفتاء می شویم.

اسلامیان: «الیس ان شاء اخذ و ان شاء ترك» من نمی خواهم وارد استفتاء شویم.

مصباحی مقدم: «الیس ان شاء اخذ و ان شاء ترك» دقیقاً در مورد بیع العینه بوده و در مورد معاملات دو طرفه است.

اسلامیان: این بیع العینه نیست.

مصباحی مقدم: خیلی خوب اگر قبول دارید بیع العینه نیست پس اشکال آقایان وارد نیست آقایان اشکالشان از باب

بیع العینه است.

اسلامیان: نه، این معامله را نمی توانیم بگوییم اشکال دارد یا ندارد، باید استفتاء کرد.

مصباحی مقدم: بنده عرض می کنم آنچه الان جاری است نیاز به استفتاء نیست؛ زیرا اگر مورد قبول نبود استنکار

می کردند.

اسلامیان: این موضوع در این جلسه اختلاف دارد آقای رضایی اول که وارد بحث شدند همان طور که عبارت را خواندند

فرمودند مورد سؤال معامله دو طرفی است لکن صریح این موضوعی که اینجا آمده معامله سه طرفی است.

مصباحی مقدم: روشن است که سه طرفه است.

مصباحی مقدم: اگر معامله دو طرف داشته باشد و در معامله اول، معامله دوم شرط شود، آنگاه اشکال وجود خواهد

داشت. این مورد مانحن فیه از آن مقوله نیست، دوم آنچه که الان در جریان مباحثه ما وجود دارد تعهد ابتدایی از ناحیه

متقاضی است بنده متقاضی تسهیلات هستم برای مباحثه می روم بانك می گویم یخچال را برای من بخرید من آن را از شما

می خرم، متعهد می شوم که آن را از شما بخرم این تعهد، تعهد ابتدایی است یا تعهد ابتدایی نیست، این را باید بحث کنیم.

رضایی: این تعهد می تواند جدای از عقدهای دیگر باشد ممکن است ضمن یک عقد انجام شده باشد، حال آیا این تعهد

اشکالی ایجاد می کند در معامله دوم یا خیر؟ ممکن است فرمایش مثل استاد عزیز، با توجه به آن روایت از آن تعلیل بخواهند

استفاده کنند، آنچه که در روایت است موردهایشان معمولاً همین دوطرفه بودن است.

اسلامیان: مورد روایات سه طرفه است مورد این سؤال نیز سه طرفه است.

رضایی: موردهای سه طرفه در روایات اشکالی ندارند.

اسلامیان: همان جا است که می فرمایند الیس ان شاء اخذ و ان شاء ترك

رضایی: پس باید روایات را بیاوریم.

مصباحی مقدم: سه طرفه نیست.

اسلامیان: چرا حاج آقا روایاتهای سه طرفه است، می گوید عین همین مثال، مثالش عوض می شود، من امسال یخچال

می خواهم می روم در مغازه، می گویم یخچال فلان مارک را می خواهم می گوید ندارم ولی برایت تهیه می کنم عصر بیا، می رود

کارخانه یک یخچال می خرد، سه طرف است مورد سؤال این است مورد روایات هم همین است.

رضایی: فقها فرموده اند برای چه کسی خریده؟

اسلامیان: یک احتمالش این است اگر برای بنده شخص ثالث مشتری که مصرف کننده یخچال هستم خریده، معامله تمام شده است.

رضایی: تمام شده است؛ یعنی پول برای او است و خرید برای این است.

اسلامیان: این اشکال دارد، اما اگر مغازه دار برای خودش خریده است (این یک معامله)، به من می فروشد (دو معامله)، اگر اینگونه است اشکال ندارد. آقایان تصور کرده اند در جمله «الیس ان شاء اخذ و ان شاء ترک» مراد تعهد است و اشتراک است، می گویند این را حذف کنیم، بنده احتمال می دهم مراد تعهد نباشد، مراد دو معامله است و تعهد یک معامله است **مصباحی مقدم:** در این رابطه با شما موافق هستیم و نسبت به این فرمایش توافق داریم.

اسلامیان: به نظر بنده باید استفتاء کرد.

مصباحی مقدم: ما را گذاشتند اینجا که فتاوی فقها را تطبیق دهیم اینکه در هر مسئله ای روبرو شدیم و بگوییم باید استفتاء کرد؛ یعنی آن قدر صلاحیت نداریم که تطبیق دهیم.

اسلامیان: این فتوای دوطرفه را نمی توانیم در معامله سه طرفه تطبیق دهیم.

رضایی: ما در تمام کتابها بررسی کردیم در کتب فتوایی این مسئله به این شکل که هست نمی گویند اشکال دارد.

اسلامیان: تعجب می کنم معامله دونفری اگر فتوا دادند اشکال دارد، سه طرفه را هیچ چیزی نگفته اند، ما نمی توانیم نسبت به آنها بگوییم.

رضایی: اصل در معاملات صحت است.

واعظی: ظاهراً این را در جلسه قم عرض کردم در اینجا نیز یک بار دیگر عرض می کنم، روایات همان طور که آقای اسلامیان می فرمایند خیلی واضح است که در همین معامله سه طرفه شرط می کند که باید مختار باشد طرف، «ان شاء اخذ و ان شاء ترک» خود آقای اسلامیان فرمودند روایت ظاهرش این است بعد فرمودند به ظاهرش عمل نمی کنید، خوب ظاهر حجت است.

اسلامیان: آقای واعظی من نمی گویم که قبول نمی کنم.

واعظی: شما خودتان فرمودید ظاهرش این است منتها ما عمل نمی کنیم. چرا عمل نمی کنید، چرا تأویل می برید به اینکه چیز دیگری بخواهید بگویید.

اسلامیان: من عرضم این بود که باید استفتاء کرد.

واعظی: خیلی خوب استفتاء کنید. دو نظر است منتها این خلاف ظاهر آن نظر دومی است که شما احتمال می دهید، ظاهر همین است که باید در ضمن معامله اول، معامله دوم شرط نشده باشد و اینکه می گوید من متعهد می شوم این تعهد ابتدایی دیگر نیست این تعهدی است در ضمن معامله اول، چرا دیگر از آن تعبیر به تعهد ابتدایی کنیم. می گوید من می فروشم، پس بخر، من متعهد می شوم؛ یعنی به این شرط که از تو بخرم، اصلاً معنای تعهد همین است که شما این کالا را برای من بخرید به شرط اینکه من آن را از تو بخرم، این شرط ضمن عقد می شود.

اسلامیان: حضرت آقای واعظی این شرط قبل از معامله است.

واعظی: نه، می‌گویم عقدی است که مبتنی می‌شود بر شرط، عقدی که بعد مرتبط می‌شود. یعنی این شخص که می‌رود خرید را انجام می‌دهد، مبتنی بر این شرط است مبتنی بر این تعهد است.

اسلامیان: آقای واعظی این شرط قبل از آن است. من نیز نگفته‌ام معنای روایت صددرصد این است. آقایان اینطور برداشت کردند و لذا معامله نیز سه طرفی است؛ بنده عرض می‌کنم اینجا جای تأمل است باید استفتاء کرد.

واعظی: من موافقم استفتاء بشود اشکال ندارد.

میثمی: این روایت‌هایی که فرموده‌اند تقریباً ۱۵ تا روایت مباحه اینجا آورده‌ایم؛ اگر بفرمایند کدام روایت است می‌توانیم روی آن بحث کنیم اگر نیاز بود، متن فارسی و عربی هر دو موجود است.

مصباحی‌مقدم: ۱۶ روایت است بنده هر ۱۶ تا روایت را تقریباً حضور ذهن دارم، یکی دو دور درس داده‌ام کامل می‌دانم، چهار روایت تجویز می‌کند حتی آنجایی که معامله دوم در معامله اول شرط بشود این ۴ تا روایت نیز صحیح می‌باشد، بعضی از فقها به همین چهارتا روایت فتوا داده‌اند و چنین معامله بیع‌العینه‌ای را تجویز کرده‌اند، لکن نظر مشهور مخالف این‌ها است در مقابل حداقل ۸ روایت است که دلالت می‌کند و می‌گوید اگر در معامله اول معامله دوم شرط بشود این معامله باطل است، به نظرم روشن است که این معاملات دو طرف دارد نه سه طرف، اگر فرض سه طرفه هم می‌کنید معنایش این است که کسی می‌رود از آن می‌خرند و می‌آورند به این یکی می‌فروشند.

اسلامیان: حاج‌آقا مسئله بانک سه‌طرفه است آن چیزی که محل بحث است سه‌طرفه بودن است.

مصباحی‌مقدم: مسئله بانک سه‌طرفه است یک طرف بانک است یک طرف مشتری است یک طرف بنگاهی است که آن جنس را می‌فروشد، دقت فرمودید بانک از آن می‌خرد و به مشتری و متقاضی می‌فروشد.

سخن این است که مشتری و متقاضی آیا تعهد کند یا تعهد نکند همین و بس. اگر مشتری یا متقاضی تعهد نداشته باشد دوستانی هستند که می‌گویند جایز است؛ اما اگر مشتری یا متقاضی تعهد کند می‌گویند این تعهد اشکال دارد، این را مصداق بیع‌العینه «الیس ان شاء فعل و ان شاء ترک» قرار می‌دهد، شرط ابتدایی از دو حال خارج نیست یا غیرلازم الوفا است پس اصلاً موضوعاً جای سؤال ندارد یا لزوم وفا دارد خیلی خوب به آن وفا می‌کنند، اگر بانک برای آن خرید ملتزم به خرید است طرف باید وفا کند؛ ولی اینکه این التزام در ضمن یک معامله انجام گرفته باشد، خیر، بنابراین التزام فی التزام نیست، شرطی در ضمن یک عقد نیست؛ بنابراین مشکلی ندارد.

درعین حال من رأی می‌گیرم ببینم چه تعداد از دوستان لازم می‌دانند که استفتاء شود، به نظر من هیچ نیازی به استفتاء ندارد، دوستانی که موافق‌اند این موضوع نیاز به استفتاء دارد اعلام نظر کنند، ببینم چند نفر نظر می‌دهند.

واعظی: به نظر من نیاز به استفتاء دارد.

رضایی: آقای نظری‌شاهرودی من فرمایش شما را این‌گونه می‌گویم، اینجا که گفته شده تعهد، مشتری عملاً متعهد است که این کار را انجام دهد، متعهد عملی نه متعهد حقوقی، بین این دو تا فرق بگذاریم.

نظری‌شاهرودی: من وقتی به بانک می‌گویم آن کالا را برای من بخر، می‌دانم که بانک آن کالا را ندارد، اولاً جهت بحث را عرض کنم آقای مصباحی‌مقدم. در اینجا سه طرف نداریم، دو طرف است؛ بانک هست و مشتری (تسهیلات گیرنده) و به اصطلاح دو طرفه است، بانک کالای خودش را اگر داشته باشد، نقد و نسیه می‌کند، گاهی وقت‌ها ندارد، می‌گوید من برای

شما تهیه می‌کنم بعد بیایید ببرید، در واقع دو طرف هست، بانک (و تسهیلات گیرنده) و فروشنده؛ کارخانه پولش را از بانک می‌گیرد و تمام می‌شود و می‌رود؛ خارج می‌شود، در بین معامله تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده است.

اسلامیان: از کجا می‌گویید؟ سه طرف است.

نظری‌شاهرودی: دو طرف است، من وقتی می‌روم [نزد پزشک] می‌گویم، طبابت کن؛ بعد من در خدمتتان هستم، او طبابت می‌کند، می‌بینم دستور اشتباه است. چون گفتم طبابت کن خدمتتان هستم، طبابت که می‌کند من ضامن مزدش هستم، چرا؟ زیرا من دستور را دادم، [توجه داشته باشید که] از باب اجاره نیست، ذهنتان را آن جا مشغول اجاره نکنید، امر به کار کردم، او نیز کار انجام داد و من نسبت به حق‌الزحمه او ضامن هستم، از باب امر من موجب ضمان می‌شود.

اکنون من مشتری می‌روم به بانک می‌گویم این کالا را برای من تهیه کن. چون می‌دانم بانک ندارد، می‌گویم من از تو اگر خریدی قطعاً می‌خرم. بانک می‌گوید اگر خریدی خسارتم را باید پرداخت کنی، چون کالا را من نمی‌توانم نگه دارم و همان لحظه باید آن را برداری. اگر مشتری کالا را نگیرد و پول هم برگرداند، بانک آن کالا را خریده و خسارت دیده است. مشتری باید خسارت را پرداخت کند؛ زیرا او دستور داده و امر وی موجب این خسارت شده و گرنه بانک دنبال کالا نمی‌رفت. از باب اینکه مشتری امر کرده و پای امرش نایستاده، خسارت به بانک وارد کرده، بانک حق دارد خسارت بگیرد، این را می‌توان در قرارداد ذکر کرد.

مثلاً بگویم من دارم به دستور شما عمل می‌کنم؛ ولی اگر بر من از ناحیه شما خسارت وارد شده، خسارت را باید تأمین کنید، امر شما موجب ضمان است و باید تأمین خسارت کنید. بیاییم در یقینیات فقه این قرارداد را تنظیم کنیم قرارداد مباحه نیز صدمه نمی‌بیند منتها آموزش لازم دارد هم تسهیلات گیرنده هم تسهیلات دهنده که بانک است و در نتیجه در سایه آموزش دادن بسیار مسئله راحت می‌شود و خسارت بانک از این ناحیه صفر می‌شود.

مصباحی‌مقدم: خیلی ممنون ببینید فرمایشتان را درست فهمیدم کسی که می‌رود مباحه تقاضا می‌کند دارد امر می‌کند که بانک برای من خریداری کن من از تو خریداری می‌کنم. اگر این اتفاق افتاد، بانک می‌تواند به مشتری و متقاضی بگوید که شما امر کردی و من خریداری کردم. حالا که نمی‌خری به من خسارت وارد می‌کنی و این خسارت بر دوش شما است. اگر این‌طور است سؤال دوستان این است اصلاً شخص می‌تواند متعهد بشود به خرید یا نمی‌تواند متعهد بشود تا اینکه آیا امر بکند یا امر نکند اول اصل تعهد است اشکال دوستانی که در قم هستند و صورت جلسه را امضا کرده‌اند و خود شما هم گویا تشریف داشته‌اید، این است که چنین تعهدی اشکال دارد.

اسلامیان: آقای نظری‌شاهرودی می‌گویند اصلاً تعهدی نیست و امر به خرید است.

مصباحی‌مقدم: اگر امر باشد، موضوع حل می‌شود. در ادبیات بانکداری کشورهای عربی «المباحه للامر بالشراء» است. خوب ما که مناقشه‌ای نداریم عنوانش می‌شود تغییر کند به «امر به خرید» به جای «تعهد به خرید».

رضایی: فقط یک مسئله می‌ماند؛ بنده می‌روم بانک می‌گویند برو در نوبت و پرونده تشکیل بده؛ مثلاً یک ماه طول می‌کشد، تخصیص اعتبار بزنند یک مدتی می‌گذرد به من نیز پول می‌دهند و می‌روم خرید می‌کنم بعد من متعهد شدم که اگر بعداً به خودم نفروختم هر خسارتی که به بانک وارد شده را بدهم، سپس من نمی‌خرم، بانک می‌گوید این مقدار خسارت به ما وارد کرده‌ای، می‌گوییم چه کسی گفته خسارت؟ اثبات کن؟ پرونده تسهیلات یک ماه و نیم درگیر بوده، اکنون مراحل

اجرائی دیگری نیز پیدا می‌کند. این شخص می‌رود شکایت می‌کند، می‌گوید من به بانک هیچ خسارتی ندهام، بانک باید ادله مثبته بیاورد که این شخص به من خسارت زده است. به نظر بنده از منظر اجرائی، همان فرمایش اول آقای نظری‌شاهرودی که فرمودند ایشان تعهد عملی دارد، آدمی که به شعبه مراجعه می‌کند، می‌گوید بخر که می‌خواهم از شما بخرم، من عملاً متعهد هستم؛ یک کلمه «عملاً» بگذارید، عملاً متعهد هستم.

مصباحی‌مقدم: وقتی که می‌گوید من متعهد هستم، چه فرقی می‌کند با اینکه بگوید عملاً متعهد هستم؟ وقتی می‌گوید من متعهد هستم، یعنی هم انشاء متعهد هستم هم عملاً، بی دلیل معطل این عبارات نباشیم. در عین حال ببینید، فرمایش آقایان رأی نیاورد.

رضایی: اگر می‌خواهید استفتاء کنید، ضرری ندارد.

اسلامیان: ببینید نباید رأی گرفت، آیا این چیزی که آقایان فرمودند و این چیزی که اینجا آمده، شما شهادت می‌دهید که مطابق فتوای رهبری یا امام یا مشهور فقهای مشهور ما بوده است؟ نمی‌توانید شهادت دهید، پس باید استفتاء کرد، نروید به سوی آن نتیجه، ما می‌خواهیم بررسی کنیم آیا شرعی است یا خیر؟

مصباحی‌مقدم: این مسئله از ناحیه نظام بانکی و معاونت محترم نظارت به ما ارجاع نشده است، از ناحیه مردم نیز چنین سؤالی از ما نشده است، دوستان خود ما، همکاران ما که به‌عنوان کمیته فرعی قم ما [شورای فقهی] هستند، ابداع کرده‌اند. هیچ ضرورتی برای استفتاء ندارد.

اسلامیان: بالاخره استفتاء که از ما نکرده‌اند! می‌خواهند بدانند ملاک چیست، حکم چیست؟ پس ما نباید رأی بدهیم، ما باید مسکوت بمانیم.

مصباحی‌مقدم: کارگروه قم استفتاء کنند، منعی ندارد؛ یعنی برای خودشان استفتاء انجام دهند. برای رفع شبهه خودشان، مانعی ندارد، ما مانع آنها نمی‌شویم.

میثمی: این بند را ما مجدد در کارگروه با استفتائی که از دفتر رهبری می‌گیریم، طرح می‌کنیم و نتیجه را مجدد گزارش می‌دهیم.

مصباحی‌مقدم: بله! این استفتاء را آقایان انجام دهند، نتیجه‌اش هرچه که شد مانعی ندارد که ما مجدد روی آن کار کنیم.

عرب‌مازار: اصلاً اگر تعهدی وجود نداشته باشد بسیاری از معاملات دارای اشکال هستند، هیچ بانکی نمی‌تواند. اشخاص متعددی به بانک مراجعه می‌کنند، هر کسی یک تقاضایی دارد، می‌گوییم خب این معلوم نیست وفای به عهد کند، متعهد هم که نیست، ما برویم برای او این تقاضاها را تهیه کنیم و بعد بگویید نه من نمی‌خواهم.

میثمی: آقای دکتر کارگروه قم یک طراحی انجام داده است.

مصباحی‌مقدم: به نظر من اصل مناقشه صحیح نیست ما ذهنمان را نباید به این گرفتار کنیم الان یک جریانی است که سالیان زیادی دارد اتفاق می‌افتد و هیچ یک از فقها ایراد نگرفته و مردم نیز با همین [عقد موجود] مراجعه می‌کنند به استناد مراجعه‌شان و از آنها سؤال می‌کنند، از مراجع نیز کسی مناقشه‌ای نداشته، رأی دوستان این نیست که اشکال وارد

باشد. اگر می‌خواهند استفتاء کنند، انجام دهند و نظر مبارک آقای اسلامیان این است که شبهه وارد است و دوستان قم می‌توانند راه خودشان را در این مسئله دنبال کنند.

اسلامیان: قابل ملاحظه است؛ زیرا مقلد ما نیستند.

میثمی: دو سه تا بند دیگر نیز موجود است. عزیزان یک روش موازی طراحی کرده‌اند مبتنی بر اینکه دو بار کارت کشیده شود.

مصباحی مقدم: این مبتنی بر وجود اشکال است.

مصباحی مقدم: ببینید این حضراتی که در آنجا [کارگروه قم] تشریف دارند و بعضی‌ها در آنجا تشریف ندارند، از قم مکرر به من مراجعه کرده‌اند، مقاله داده‌اند، ایراداتشان را به من گفته‌اند بنده این مناقشاتشان را عرض کرده‌ام، بسیار خوب است که تلاش می‌کنند، دستشان درد نکند، شکرالله سعی می‌خواهند اوضاع را بهبود ببخشند، ما نیز این را نفی نمی‌کنیم، ولی به هر حال ما مسائل فوری، مهم، اهم و ضروری داریم که اقتضا می‌کند به آنها بیشتر عنایت کنیم و بپردازیم. یعنی معاملات در بانک‌های ما صورتی انجام می‌گیرد این را درست کنیم، این که دارد با فاکتوری که صورتی هست خرید می‌کنند و بانک نیز می‌پذیرد این‌ها اساس مشکل است.

بنده به بعضی از دوستان عرض کرده‌ام از مدیر عامل بانک توسعه تعاون خواستم همراه با ناظر شرعی بانک پیش بنده بیایند و عرض کردم که خوب است مراحجه بانکی را به این شکلی که تقاضا می‌کنم طراحی کنید و به صورت نرم‌افزار در بیاورید، آنی که متقاضی می‌آید به بانک می‌گوید من منابع مالی می‌خواهم بلافاصله به او راهنمایی کنید تقاضای خود را در سامانه ثبت کن، در سامانه از او می‌پرسند چه می‌خواهی، می‌گویند یخچال می‌خواهم، چه یخچالی می‌خواهی از کدام بنگاه از کدام فروشگاه قیمت این یخچال چقدر است، اطلاعات را کامل می‌گیرد، بانک می‌گوید ما شما را حواله می‌دهیم به فلان فروشگاه برو از آن فروشگاه دریافت کن ما یخچال را از او خریدیم به نقد و به فلان مقدار، به تو فروختیم به فلان مقدار نسیه، رابطه تو با آن بنگاه است و بانک طرف معامله آن بنگاه است، به این شکل جلوی صورتی بودن معاملات گرفته می‌شود و واقعاً کالاهای ایرانی نیز مصرف می‌شود. همچنین، نتیجه‌اش به نفع اقتصاد ملی ما است و بعد ما می‌دانیم که این معامله واقع شد. یک کالا از انبار آن شرکت خارج شد، یک تأثیر واقعی در بازار واقعی کالا و خدمات گذاشت؛ اما آنچه که الان دارد انجام می‌گیرد آیا واقعاً دارد معامله می‌شود؟

خرید می‌شود یا نمی‌شود. بنده این را مطرح کردم و ایشان نیز خوشبختانه استقبال کردند، رفتند با اعضای هیئت عامل آن بانک مسئله را مطرح کردند و دارند سناریوسازی و طراحی می‌کنند. این طرح می‌تواند به صورت پایلوت در بانک توسعه تعاون عملیاتی و اجرایی شود. گفتند ما فروشگاه نیز داریم فروشگاه‌هایی که متعلق به کارکنان خودشان است حتی می‌توانند به آنها حواله دهند که آقا این کالا را فلانی خواسته است به ایشان عرضه کنید. به این شکل لااقل نمونه‌هایی داشته باشیم، این نمونه‌ها را به سایر بانک‌ها معرفی نماییم و بگوییم از این روش استفاده کنید. این روش یک روش واقعی قرارداد مراحجه است و شبهه این مسئله نیز به کلی منتفی می‌شود، طرف یا خریدار است یا نیست. اگر خریدار است می‌رود می‌خرد، دیگر خودش بخرد و به خودش بفروشد معنی پیدا نمی‌کند.

این مسئله است که آیا مسئله را می‌فهمد، یا مسئله درست به او تفهیم نمی‌شود که آقا تو می‌خری برای بانک به این قیمت، می‌فروشی به خودت به این قیمت و [این‌گونه] برای عامه مردم، فهم این مسائل دشوار است. اینکه بخواهیم مردم را عادت دهیم به یک چنین وضعیتی به نظرم به راحتی میسر نیست، اما اگر بگوییم شما یک تقاضایی داشتید و می‌خواهی خرید کنی برو سراغ فلان فروشگاه ما به او حواله داده‌ایم، برو بخر، برو از آنجا دریافت کن و بخر سپس اقساط را به ما بده، به این شکل مسئله حل می‌شود. اگر این تفهیم که در ادبیات گفتاری دارید، امر ساده‌ای نیست. مورد به مورد باید تفهیم صورت بگیرد بسیاری از مخاطبان کسانی نیستند که به راحتی بفهمند، این مسائل را به این شکل اگر برطرف کنیم و حل کنیم راه حل کلیدی است؛ اما اگر ما مباحثه کنیم راجع به این مسائل آیا مثلاً تعهد قبلی مشکل دارد یا ندارد، به نظرم سر خودمان را به مسائل فرعی گرم کرده‌ایم و به مسائل اصلی نپرداخته‌ایم.

میثمی: عزیزان کارگروه قم در این موضوع نظرشان این بود که ما می‌توانیم یک مدل در کنار این مباحثه بگذاریم ولو کوچک اما، شروع کنیم مبتنی بر دو بار کارت کشیدن که آن اشکالی که برخی از طلبه‌ها که حضرتعالی نیز فرمودید گزارش می‌نویسند و این گزارش‌ها را به ما می‌دهند. می‌گویند این راهکار را ولو شده [در مقیاس] کوچک شروع کنید. اکنون [این‌گونه است که] مشتری یک بار کارت می‌کشد لکن در این طرح دو بار کارت کشیده می‌شود، یک بیع نقد، دو بیع اقساطی، بین این دو نیز اگر پیشیمان شد این کالا را می‌گذارد در قفسه سر جایش، مثلاً رفته فروشگاه شهروند، کالا را برداشته است یک کارت می‌کشد برای بیع نقد، بعد یک کارت می‌کشد برای بیع نسیه و اگر نخواست سر جای خود می‌گذارد.

مصباحی مقدم: ببینید اصل مسئله مورد مناقشه قرار گرفت، این مترتب بر قبول مناقشه است. اصل مناقشه مورد قبول قرار نگرفت، این موضوع مترتب و فرع آن است و فعلاً بماند تا آن استفتاء که فرمودند از ناحیه آقایان انجام بشود اگر مشاهده شد نتیجه استفتاء این است که ما در فهم مسئله اشتباه کردیم، اشکالی ندارد؛ آن وقت ما راه‌حلی برایش درست می‌کنیم. راه‌حلی که من پیشنهاد کردم، ساده‌تر و بهتر از این است.

ابوالحسنی: هنر بانکداری اسلامی در ساده کردن و همراه کردن زندگی مردم است. اگر ما آن قدر پیچیده‌اش کرده‌ایم که فرد می‌بیند می‌گوید من اصلاً نمی‌خواهم، می‌خواهم اصلاً حرام باشد یک دفعه بروید کارت بکشید حواست باشد، نیت کنید و غیره. ما آمدیم یک کارت رفاهی متصل به اوراق گام تعریف کردیم که الان پایلوت در بانک رفاه اجرا می‌شود، این چیست؟ خلاصه‌اش این است من به عنوان یک مشتری خرد در کشور پول ندارم لکن علاقه‌مند هستم یک چیزی بخرم؛ این را چه کار می‌کنند، این را یک رتبه‌بندی و ارزیابی می‌کنند که این از نظر مالی به قول ما سلامت و اعتبار دارد یا خبط‌هایی داشته است. اگر خبطی داشته در جایی نمره او را کم می‌کنند و اعتبارش را می‌سنجند و می‌گویند شما به اندازه ۲۰۰ تومان، ۳۰۰ تومان، ۱۰۰۰ تومان، می‌توانی بروی با این کارت که در اختیارت می‌گذاریم کالا بخری و به او اعتبار می‌دهند.

مصباحی مقدم: این همان اعتبار در حساب است.

ابوالحسنی: اعتبار در حساب جاری به این معنا که اگر از آن مدت گذشت چه یک روز و چه یک ساعت، طبیعتاً طبق ملاک خودشان یک بهره‌ای تعلق می‌گیرد، لذا در یک جاهایی نمره و عددش را می‌آورد پایین یک جاهایی خیر می‌گویند برو آن سود را بده تا بتوانیم این را برایت تمدید کنیم در هر صورت این برای کشورهای دیگر دنیا است. ما در اوراق رفاهی متصل به گام فرض می‌گیریم بانک ارزیابی و اعتبارسنجی را کرده و یک اعتباری دارد. مثلاً یکی استاد دانشگاه است ممکن

است تا ۳۰۰ میلیون بتواند و بانک بگوید من شما را قبول دارم یکی نیز مثلاً کارگر ساده است و آدم خوبی است می‌گوید تو ۵۰ میلیون می‌توانی بدهی، کارت را به او می‌دهد و می‌گوید فقط می‌توانی خرید کنی منتها از فروشگاه‌هایی که من معرفی می‌کنم.

در آنجا اگر کارت کشیدی این برایت شارژ می‌شود و در واقع کالایی که به من گفته‌اید نیاز دارم را خریده‌اید، یعنی این پول را به او داده است تا برود خرید نقدی انجام دهد؛ ولی آن فروشگاه دارد نسبه به بانک می‌فروشد؛ چون فعلاً پولی از بانک نمی‌گیرد فعلاً اعتباری دارد کالا را می‌دهد. به یک عددی که رسید اکنون نمی‌دانم ۱۰۰۰ میلیارد یا ۲۰۰۰ میلیارد تومان است، می‌گوییم آقای بانک برای اینکه تو نیز ضرر نکنی (بالاخره شما دارید اعتبار می‌دهید به افراد)، معادل آن چیزهایی که به فروشگاه داده‌اید اوراق گام منتشر کنید و این‌ها را به آن فروشگاه بدهید و فروشگاه به اعتبار این اوراق تو بتواند کالا بخرد، زیرا فروشگاه، این کالایی را که من از آن خریدم باید بتواند جایگزین کند، پول را نیز که به بانک نمی‌خواهم بدهم، یک ورق به او می‌دهم.

اسم این را گذاشته‌ایم اوراق رفاهی زیرا برای رفاه مردم است، متصل به گام آن نیز از این بابت که ما به عنوان بانک مرکزی به بانک اجازه داده‌ایم به آن حد که رسید شما می‌توانید اوراق گام منتشر کنید و این اوراق در زنجیره می‌چرخد دو ماهه یا سه ماهه و ما حساب کرده‌ایم، اینکه می‌گوییم باید عملیاتی حساب کنیم و دوستان می‌گویند برو یک بار، ما آنجا حساب کرده‌ایم آیا به نفع بانک است یا خیر، زیرا اگر نفع بانک در آن نباشد فی‌سبیل‌الله این کار را انجام نمی‌دهد حتی اگر از او بخواهیم. اگر خواستید همکاران بنده با مثال‌های مختلف می‌آیند ارائه می‌کنند، حساب کردیم که به نفع بانک نیز می‌باشد. مثلاً من که رفتم ۱۵۰ میلیون تومان خرید کرده‌ام از ماه اول مثلاً ۳ میلیون تومان پس می‌دهم، بانک چه موقع می‌خواهد آن پول را بدهد؟ آنجا اگر اوراق ۱۲ ماهه منتشر کند، بانک طی ۱۲ قسط پولش را پس می‌گیرد. با اینکه از فروشگاه ۲۴ ماهه خریده است. ۱۲ قسطی که بانک دارد زودتر می‌دهد به این علت است که ۱۲ قسط را زودتر گرفت، به نفع بانک می‌باشد. به نفع فروشگاه نیز می‌باشد. چرا که فروشگاه‌ها الان می‌گویند کالای ما به فروش نمی‌رسد. فروشگاه‌های لوازم خانگی می‌گویند که ما تولید کرده‌ایم اما فروش نمی‌رود، ما با بانک تجارت بود که گفتیم بروید با فروشگاه‌ها [همکاری کنید]. بالاخره باید برای تولیدکننده‌ها تقاضا وجود داشته باشد. پایلوتش در یک بانک اجرا می‌شود البته سال ۱۴۰۲ شروع کرده است و امیدوارم نتایج آن امسال مشخص شود بتوانیم آن را گسترش دهیم. هم زمان در برنامه هفتم نیز یک ماده قرار داده شده است. به عنوان نمونه، کارت اعتباری ایرانیان، اگر فقط یک خانواده مثلاً کمیته امداد یا بهزیستی‌ها در نظر بگیرید ۶۰، ۷۰ هزار میلیون پول می‌خواهد که بانک به او نمی‌دهد، می‌گوید بانک مرکزی پول اولیه‌اش را بدهد، من اعتبار را در حساب جاری این فرد می‌ریزم برای ما این امکان‌پذیر نیست اگر روی ۸۰، ۹۰ میلیون بخواهیم حساب کنیم آن هم نمی‌شود.

مصباحی مقدم: مثل اینکه رد شده است.

ابوالحسنی: ما با آن کارت خود بدون اینکه وظیفه‌ای را دولت یا بانک مرکزی بخواهد بر عهده بگیرد، بانک دارد با اجازه ما در اوراق گام و در کارت رفاهی همان کار را انجام می‌دهد. اگر نتیجه‌اش خوب بود به تدریج جای آن کارت‌ها را خواهد گرفت. به این علت است که ما مخالف آن طرح بودیم مخالف نیستیم که مردم اعتبار داشته باشند؛ ولی این اعتبار به آن معنا که در ماده قانون آمده است نمی‌باشد این مشکل را قرار است، اصلاح کنیم.

رضایی: یعنی من مشتری بانک که می‌خواهم کولر بخرم می‌روم مغازه این کارت را که می‌کشم مغازه به من نسیه می‌فروشد سپس بانک با اوراق گامی که به مغازه‌دار می‌دهد به او اجازه می‌دهد که با این اوراق به مرور تنزیل کند، به مجرد اینکه من قسطها را به بانک پرداخت می‌کنم، در اینجا چه کسی نسیه می‌خرد یا می‌فروشد؟ من این را متوجه نشده‌ام.

نادعلی: طور خلاصه بگویم فرد به بانک مراجعه می‌کند برای تسهیلات مرابحه خرید کالا، بانک قراردادی با فروشگاه بسته است مبنی بر اینکه کالا را به مشتری‌هایی که من می‌فرستم بدهید، من (بانک) پول شما را می‌دهم. فرد به فروشگاه مراجعه می‌کند مثلاً سرای ایرانی فروشگاه‌هایی که تنوع کالا دارد، کالای مد نظرش را می‌خرد، از لحظه‌ای که کارت می‌کشد بانک متوجه می‌شود که این فرد خرید انجام داده و چه مقدار باید در ازای این فرد به فروشگاه پول دهد، فرد که کالایش را خرید اقساطش شروع می‌شود، فروشگاه وقتی عددش رسید مثلاً به ۱۰۰ میلیارد تومان به بانک اعلام می‌کند ۱۰۰ میلیارد تومان من کالا فروخته‌ام پول را به من بدهید، در اینجا بانک به او اوراق گام می‌دهد، و می‌گوید این ورقه یعنی من تضمین می‌کنم تا مثلاً ۶ ماه دیگر یا یک سال دیگر پول را به تو بدهم، ورقه را می‌دهد، به فروشگاه و فروشگاه وقتی می‌خواهد از یک عمده‌فروش خرید کند، ورقه را می‌دهد به عمده‌فروش و عمده‌فروش مثلاً ورقه را می‌دهد به کارخانه، کارخانه می‌دهد به شرکت فولاد و به همین ترتیب، انگار که پول است؛ زیرا یک تضمین از بانک دارد، من خریدار کالا که کالا را خریدم و دارم قسط‌هایم را به موازات پرداخت می‌کنم پس یک رابطه من دارم با بانک من تسهیلات گرفتم یک رابطه فروشگاه دارد با بانک که در واقع انگار کالا را فروخته است به بانک اما مشتری از سوی بانک معرفی شده است و طرف حساب فروشگاه بانک است و مشتری نیست.

رضایی: پس آن مرابحه‌ای که در حال حاضر انجام می‌گیرد، فقط به اوراق گام متصل شده است؛ وگرنه مرابحه تغییری نکرده است.

نادعلی: یک فرق دارد و آن این است که در اینجا باید کالا تحویل داده شود.

رضایی: این خوب است؛ اما در این مرابحه، آیا قصد می‌شود این معامله که انجام می‌شود و کارت می‌کشد؟

نادعلی: در این مرابحه اگر کالا را نخرد اصلاً شکل نمی‌گیرد؛ یعنی با فاکتور نیست، شما باید کالا را بخرید و وقتی کالا را می‌خرید.

رضایی: این درست است و از این جهت خیلی خوب است.

اسلامیان: این چیزی که می‌فرمایند درست است منتها همچنان نیاز به قصد دارد، یعنی قصد را می‌خواهد؛ یعنی بالاخره این آقای مشتری که مصرف‌کننده هست؛ یخچالی که از مغازه‌دار می‌خرد، بداند که از بانک می‌خرد نه از مغازه‌دار، اگر نداند معامله درست نمی‌شود، طبق این توضیحی که آقا فرمودند من مصرف‌کننده از مغازه‌دار نمی‌خرم از بانک می‌خرم.

ابوالحسنی: از طرف بانک می‌خرد برای خودش؛ چون پولش را بانک می‌دهد.

اسلامیان: بله درست است؛ ولی من که مصرف‌کننده هستم بخواهم نقل کنم برای شما از کی خریدم؟ می‌گویم یخچال را از بانک خریدم.

ابوالحسنی: بله تحویلش از آن مغازه است.

اسلامیان: پس بنابراین این تفهیم و تفهم که می‌فرمایند باز این مشکلات پابرجا است که بخواهیم به مردم برسانیم و این را نیز باید به او بگوییم که باید نیت کنید که شما از بانک نسبه می‌خرید.

رضایی: دو تا مسئله است یکی جلوی فاکتورهای صوری را می‌گیرد، یکی مجموعه بانک لازم نیست پول دهد و پول تزریق کند.

اسلامیان: و این وسط بانک سودش را می‌برد.

مصباحی مقدم: موضوع دوم را مطرح بفرمایید.

میثمی: از این مصوبه قم دو سه مورد پایانی مانده است. مثلاً، موضوع این هست که ما به جای وکیل کردن مشتری فروشگاه را وکیل کنیم، در اهل سنت پیشنهادی که داشتیم روی این جمع بندی شده است.

مصباحی مقدم: یعنی همین کاری که بنده گفتم.

میثمی: همان چیزی که شما می‌فرمایید البته با وردینگ متفاوت ولی چهارچوب آن تقریباً همان است.

مصباحی مقدم: بسیار خوب بفرمایید.

خانم نظری: در خصوص تسهیلات اعطایی مرابحه خرد خانوارها می‌توان فروشگاه ارائه دهنده اموال موضوع مرابحه را به عنوان وکیل بانک در بیع نقد، خرید اموال برای بانک و سپس بیع نسبه، فروش اموال به تسهیلات گیرنده یا مشتری تعیین نمود. در الگوی فعلی بحث عقد وکالت، بیع نقد و بیع نسبه که اتفاق می‌افتد، بین بانک و مشتری است به این نحو که در واقع بانک مشتری را اول وکیل می‌کند که از طرف خودش برود کالا را به وکالت بخرد، دوباره به خودش بفروشد، این موضوع فارغ از دیدگاه فقه امامیه، از منظر اهل سنت محل ایراد بود، در کارگروه اهل سنت که ما بررسی نمودیم این موضوع را نمی‌پذیرفتند و پیشنهادی که داده بودند این بود که به نوعی همین مکانیسمی که در کارت رفاهی آقای دکتر ابوالحسنی و دکتر نادعلی فرمودند باشد، در واقع بحث فروشگاه ارائه دهنده خدمات باشد؛ بانک برای فروش کالا فروشگاه را وکیل خود کند و وکالت و بیع نقد بین بانک و فروشگاه اتفاق بیفتد، از آن طرف در واقع فروشگاه کالا را به مشتری بفروشد و بیع نسبه در قالب آن رابطه اتفاق بیفتد و یک رابطه ۳ جانبه باشد، چیزی که پیشنهاد برادران اهل سنت بود این است که با توجه به کارت رفاهی به نظر می‌رسد که پیشنهاد خوبی می‌تواند باشد، این بندی بود که کارگروه قم مطرح نمودند.

ابوالحسنی: یک نکته دارد که این نکته را در کارت رفاهی نیز ما داشتیم منتهی به صورت مسامحه از آن گذشتیم، در آن موردی که بنده عرض کردم و الگوی پیشنهادی که ارائه شد. شما با فروشگاه‌های خاصی کار می‌کنید یعنی دارید ترجیح (فقهی آن را کنار بگذاریم) می‌دهید، یعنی محدود می‌شود به این چهار فروشگاه، بقیه فروشگاه‌ها از این موهبت چرخش پول استفاده نمی‌کنند، چرا در آن جلسه از آن گذشتیم و گفتیم پایلوت بگذاریم اجرا شود بعد اگر توانستیم همه شبکه را بیاوریم، چون در آنجا مجبور می‌کنیم که همه فروشگاه‌ها را بیاورید که شاید این موضوع ۲ تا ۳ سال به طول انجامد. اگر شما بخواهید این الگویی که در اینجا آورده‌اند را اجرا کنید، هر بانکی با یک، دو [فروشگاه] یا چهار فروشگاه کار می‌کند، با صد تا [فروشگاه] که کار نمی‌کند، خب ۳۰ بانک دارید، ۳۰ تا ۴ تا می‌شود ۱۲۰ تا فروشگاه می‌شود، این مشکل وجود دارد. اگر نظر فقهی‌اش را کنار بگذاریم، از نظر چرخه بانکی، دارید به یک عده امتیاز می‌دهید و به دیگری نمی‌دهید، این امتیاز را چه کسی دارد می‌دهد؟

ماه دوم، موقعی که مشتری برود بخرد، به دلیل اینکه فروشگاه‌ها احساس می‌کنند مشتری‌ها دارند به آن مراجعه می‌کنند و می‌خرند، او احساس می‌کند مشتری دارد، الان چه کسی می‌خرد؟ بانک دارد می‌خرد در این الگو، از چه کسی؟ از فروشگاه، موقعی که بانک دارد می‌خرد، بانک مالک این‌ها می‌شود علی‌القاعده، تا بعد مشتری را برون‌د قانع کنند، آنجا ممکن است فروشگاه‌ها بگویند، هزینه انبارداری از زمانی که خریدی را نیز بدهید، چون شما خریده‌اید، حال اگر مشتری‌هایت نیامدند و غیره. به این نکات (بجز مسئله فقهی‌اش) باید دقت کرد.

مصباحی مقدم: یک مساله دیگر را در نظر بگیرید. این که مقیاس در خرید بالا می‌رود، با افزایش مقیاس خرید برای تولید کننده و فروشنده بسیار باصرفه‌تر خواهد بود حتی می‌شود از او انتظار داشت که تخفیف دهید، زیرا در یک مقیاس بالای به ما می‌فروشید باید تخفیف نیز بدهد و این به نفع مشتری نیز خواهد بود، من به این فکر کرده بودم که ابتدا از فروشگاه‌های محدودی شروع بشود؛ ولی سایر بنگاه‌های کوچک را نیز بتواند تحت پوشش قرار دهید بگوییم هر فروشگاه‌های آمادگی دارد به این شیوه که می‌گوییم عمل کند، متعهد شود و ما نیز نظارت کنیم، آن فروشگاه می‌تواند طرف معامله بانک قرار گیرد. بالاخره از یک جایی باید شروع کرد و توسعه داد. به نحوی که فروشگاه‌های خاصی فقط منتفع نشوند؛ بلکه همه منتفع شوند؛ ولی چیزی که حائز اهمیت است، این است که غالباً تولیدات داخلی از این طریق قابل عرضه خواهد بود.

رضایی: این بانک‌ها می‌توانند کارت‌خوان‌هایی را در اختیار افراد قرار دهند و بگویند، با توجه به کارت‌های خاصی که به افراد می‌دهند خرید انجام شود. یعنی هر فردی که کارت‌خوان مربوطه را دارد وکالت را به عهده بگیرد؛ زیرا خودش کارت‌خوان دارد اگر به فرض من از قم بلند شدم رفتم ماکو، در یک مغازه ماکو داشتم یک چیزی می‌خریدم آن کارت را که می‌کشم، آن مغازه‌دار نیز با بانک‌های کشور به سبب آن کارت‌خوان این ارتباط را برقرار کرده که من دارم به این کالای بانک را می‌فروشم، یعنی از طریق کارت‌خوان می‌شود این کار را انجام داد.

ابوالحسنی: بله هیچ مشکلی ندارد، تنها مشکل این است که شما بانکی دارید که از من به عنوان فروشگاه خرید می‌کنید، چه چیزی را می‌خرید؟ کالاهایی که امروز در فروشگاه من است.

رضایی: همان موقع که کارت کشیده می‌شود من به عنوان بانک دارم تلویزیون را می‌خرم، درست است؟ صاحب مغازه از این به بعد برای فروش این کالا به مشتری، وکیل بانک است.

ابوالحسنی: پولش را باید بدهد؟

رضایی: پولش را بانک می‌دهد.

ابوالحسنی: همان لحظه؟

رضایی: اگر به بانک ربط بدهیم درست است. و به غیر از آن صحیح نمی‌باشد.

مصباحی مقدم: بانک به فروشگاه نقدی پرداخت می‌کند.

رضایی: من مسئله وکالت را می‌خواهم حل کنم.

رضایی: دو تا مسئله است یکی اینکه مسئله وکالت را حل کنیم که صاحب مغازه همان زمان از طرف بانک وکیل شود و به من بفروشد که اهل سنت هم این را می‌خواهند، این‌گونه درست می‌شود.

ابوالحسنی: سؤال فقهی بنده این است آیا بانک می‌تواند نسیه بخرد و نسیه بفروشد؟ الان به من پول ندهد؛ چون اگر بخواهد پولش را همان لحظه بدهد این باز اعتبار می‌خواهد.

رضایی: فردی یک مغازه دارد که بنده از ایشان نسیه می‌خرم بعد به شما نسیه می‌فروشم این اشکال دارد؟ نه اشکال ندارد، سلف نیست نسیه است، من از ایشان نسیه می‌خرم به شما نسیه می‌فروشم.

ابوالحسنی: در این مثال پول نمی‌خواهد، هر دو می‌توانند توافق کنند که دارم به شما نسیه می‌فروشند.

مصباحی مقدم: اشکال ندارد.

رضایی: بله نسیه می‌خرد و نسیه می‌فروشد.

میثمی: هم در کارگروه قم هم در کارگروه اهل سنت روی بحث شیوه اجرای مباحه اشکال داشتند که بعضاً اتفاق می‌افتد مشتری (که تعدادشان هم کم نیست) اصلاً توجهی ندارد کارت را می‌گیرد، کارمزد می‌دهد، نقد می‌کند و پول را می‌گیرد سپس چک را تسویه می‌کند. مدل دیگر، پیشنهاد دادند به جای آموزش چند میلیون مشتری، در آموزش مسئول فروشگاه تمرکز کنید که تعداد کمتری هستند و معامله سه طرفه می‌شود، هم کارگروه قم این را امضا کرده‌اند (در بند ۳)، هم اهل سنت در چند استان که ما رفته‌ایم متفق‌القول روی این ایراد داشتند.

نظری شاهرودی: بعضی از مشکلاتی را که ما در ذهنمان طرح می‌کنیم، به این صورت است که تبیین می‌کنم، بانک وقتی کارت صادر می‌کند به آن فروشگاه که طرف قرارداد بانک باشد یا نباشد، وکالت می‌دهد که کالا را به این فرد نسیه بفروشد و بعد به صورت اقساطی پولش را دریافت کند، و او بر اساس وکالت من (بانک) عمل می‌کند و کالایش را به صورت نسیه می‌فروشد و از این طرف بانک اوراق گام را به او می‌دهد. در واقع عقد حواله است، حواله را به او می‌دهد که با این اوراق شما پول یا کالایت را دریافت می‌کنید. پس یک عقد نسیه است که به وکالت دارد انجام می‌گیرد و یک حواله است که با عقد حواله می‌رود پولش را به صورت اوراق گام می‌گیرد.

میثمی: با توجه به این توضیحات اگر این بند را موافق هستید مصوب کنیم.

مصباحی مقدم: بله موافق هستیم.

میثمی: بحث کراهت مباحه درصدی را که کارگروه هم روی آن تأکید کرده و متن این است با توجه به کراهت مباحه درصدی توصیه می‌شود صرفاً مبلغ کل فروش معامله شامل اصل و سود در متن ذکر گردد.

مصباحی مقدم: یک مورد اضافه کنید، در هنگام تسویه مجموعاً تقسیط شود؛ یعنی در اقساطی که می‌خواهند در نظر بگیرند بین اصل و سود در مقام تسویه و اداء تفکیک قائل نشوند.

میثمی: تسویه بالنسبه می‌کنند.

مصباحی مقدم: بالنسبه که اشکال ندارد، می‌خواهم بگویم مرکباً نباشد.

میثمی: در اقساط اول سود بیشتر است به آرامی سود کم می‌شود و اصل می‌رود بالا، مسیری که ما انجام می‌دهیم، این گونه است.

مصباحی مقدم: اتفاقاً آنچه تحقق پیدا کرده است، اشکال دارد. یادم است یک جلسه شورای پول و اعتبار وقتی که من در مجلس هفتم حضور پیدا می‌کردم این را مطرح کردم و آن شورا تصویب کرد و بخشنامه شد توسط رئیس محترم وقت

بانک مرکزی که بانک‌ها متوازن اصل و سود را در مقام تسویه در نظر بگیرند. این طور نباشد که پرداخت‌هایی که طرف انجام می‌دهد اوایل از سود کسب کنند بعد اصل بماند که در این شیوه شکایاتی وجود دارد مراجعه می‌کنند می‌گویند من چند سال است قسط می‌پردازم بعد که رفتیم بانک می‌گویند اصلش را هیچ نپرداخته‌ای این درست نیست این باید متوازن از اصل و سود باشد و برای اینکه متوازن باشد باید قیمت را برای کل در نظر بگیرند. خیلی خوب پس در مقام تسویه هم کل را باید مبنا قرار بدهند، سهمی از کل، درصدی از کل، نه درصدی از سود و درصدی از اصل می‌خواهم بگویم این را نباید در مقام تسویه تفکیک کرد.

میثمی: بله ما گفتیم کلمه درصد در قرارداد ذکر نشود و کلی اعلام شود.

مصباحی مقدم: دوستان توجه دارند وقتی یک کالایی مباحه‌ای فروخته می‌شود یک قیمت وجود دارد، درست است که وقتی دارد بیان می‌کند می‌گویند خرید من این است؛ ولی مهم این است که قیمت فروش چیست قیمت فروش باید مبنا قرار داده شود. یک قیمت، نه اینکه اصلش و سودش جدا باشد. اصلاً این تفکیک اصل و سود مشکل دارد. خدا رحمت کند مرحوم ابن ادریس را در سرائر این مسئله را خیلی زیبا بیان می‌کند. اشکالی که در روایات ذکر می‌کند و فقها بیان می‌کنند این است که سود به ثمن نسبت داده شود و حال آنکه سود باید به مثن نسبت داده شود، این نسبت دادن سود به ثمن نوعی شبهه ربا هم می‌شود؛ زیرا ما می‌خواهیم بگوییم قیمت این است مثلاً همان که در روایات آمده مانند «ده یازده» و «ده دوازده» و امثال این‌ها، نسبت دادن سود به ثمن است. حال آنکه نسبت دادن سود به مثن مشکل ندارد آقا این را خریده‌ام ۱۰۰ تومان و می‌فروشم ۱۲۰ تومان تمام شد، نه اینکه خریده‌ام به ۱۰۰ تومان و مثلاً این ۱۰۰ تومان می‌شود ۱۲۰ تومان، خیر ۱۰۰ تومان نمی‌شود ۱۲۰ تومان، مثن می‌شود ۱۲۰ تومان، پس تفکیک اصل و سود بی‌معنا است. اصلش این مقدار بوده سودش این مقدار، این اصل و سود ما را می‌کشاند به بانکداری ربوی، بانکداری مبتنی بر نرخ بهره.

رضایی: آقای مصباحی مقدم، فرمایش شما کاملاً درست است. حالا این را اگر بخواهیم بیاوریم در سیستم حسابداری بیاوریم، چگونه باید انجام دهیم؟ ظاهراً بزرگان در بحث‌های بانکی همیشه این موارد را جدا می‌کنند، مباحه اگر بخواهد جدا شود، یک شیوه حسابداری خاص می‌خواهد.

مصباحی مقدم: آقای میثمی کمک بگیرید که حسابداری بانکداری اسلامی چگونه اقتضا می‌کند.

رضایی: اگر آقای ابوالحسنی همراهی بفرمایند، در این دوره بانکی به عنوان پایلوت انتخاب شود و طرح آغاز گردد، بعد کم‌کم تفکیک شود.

ابوالحسنی: سه تا مسئله را باید تفکیک کرد یکی اصل قضیه است که باید مجموع سود و اصل یکی حساب شود، موضوع دوم آنچه که در حال حاضر عمل می‌شود و آقای دکتر محمدپور باید بررسی کنند و گزارش بگیرند؛ برداشت بنده این است که الان تفکیک می‌کنند؛ چند سال پیش از بانک تسهیلاتی گرفته بودم بعد توانستم تسهیلات را پس بدهم، دیدم که اقساطی که من تا به امروز داده‌ام سود بوده است و اصلش کماکان مانده است. حال این اشکال در اجرا است، باید این را درست کنیم. اما از نظر حسابداری ما مشکل اساسی داریم اصلاً روی حسابداری با رویکرد اسلامی کار نشده است، مدیریت اسلامی، اقتصاد اسلامی کار شده، ولی در حسابداری اسلامی خیر. باید روی این مسائل عملیاتی فکر کرد تا مشخص شود

کجا اشکال دارد، بانک می‌خواهد پایان سال سودش را مشخص کند که چقدر سود داشته است حالا این سود را یا به سپرده‌گذارانش دهد یا متعلق به حقوق صاحبان سهام است.

محمدپور: الان در نظام بانکی در همه بانک‌ها این تفکیک وجود دارد؛ یعنی هر کسی مراجعه کند همان اول کار که تسهیلات اخذ می‌کند، میتواند بگوید، لیست اقساط من را تا آخر دوره بدهید من در هر قسط چقدر سود می‌دهم و چقدر اصل می‌دهم، این کار مشخص است الان در همه سیستم‌هایی که در Core Banking داریم. تفکیک شده وجود دارد لکن نکته‌ای که هست این است که چرا سود در اقساط اولیه بیش از اصل هست، دلیل محاسباتی و مالی آن با یک مثال خدمتتان عرض می‌کنم، فرض کنید یک تسهیلات ۱۰۰ میلیون تومانی ۵ ساله است، سودی هم ندارد اصلش یک عدد هست، وقتی می‌شود ۶ ساله، اصل در هر قسط آن کم می‌شود، فرض کنید یک تسهیلات مثلاً ۱۰۰ میلیون تومانی سه ساله، اگر بخواهد فقط اصل را تسویه کند، ماهیانه ۲ میلیون تومان است اگر تعداد ماه‌ها بیشتر شود مبلغ اصل تسهیلات در اقساط به جای ۲ میلیون می‌شود یک و نیم میلیون، حال هر چقدر بخواهیم سودش را در نظر بگیریم، هر چقدر مدت زمان تسهیلات طولانی شود طبیعتاً سود تسهیلات عددش بیشتر می‌شود، این فاصله بین سود و اصل به سبب آن فاصله زمانی تسویه تسهیلات است؛ این منطقی است.

البته عرض کنم این بدان معنا نیست که حتی همین اصل را هم همه بانک‌ها به درستی و دقیق با این منطق رعایت می‌کنند، لزوماً این گونه نیست، منطق همین است؛ ولی بعضاً بانک‌هایی وجود دارد که در ماه‌های اولیه سود بیشتری اخذ می‌کنند، به همین خاطر همان مشکلی که حضرتعالی فرمودید پیش می‌آید که مشتری بعد از دو سال می‌بیند فقط تا حالا سود پرداخت کرده و اصل تسهیلات مانده است، واقعیت در حال حاضر قابل تفکیک می‌باشد؛ ولی مسئله‌ای که داریم و خودتان بهتر استحضار دارید سیستم‌های Core موجود در بانک‌ها بر اساس بانکداری اسلامی طراحی نشده است. نکته‌ای که آقای دکتر ابوالحسنی فرمودند که بحث هر چقدر ساده‌سازی شود، احکام قابلیت اجرا در سیستم، چه سیستم Core، یا حتی سیستم‌های دستی ساده‌تر و بهتر می‌شود. به نظر بنده این امکان‌پذیر است که حداقل از موضوعات ساده‌تر و موضوعاتی که مشخص می‌کنیم شروع کنیم این امکان‌پذیر هست، سیستم‌ها از اول بر مبنای بانکداری اسلامی طراحی نشده و الان هم شما استحضار دارید تغییر یک Core در بانک کار خیلی اساسی است یک کار بسیار پرزحمت است، ولی می‌توان با چند پروژه و چند موضوع ساده که قابل انجام است. به عنوان پایلوت شروع کرد که یک تجربه شود و ان‌شاءالله توسعه پیدا کند.

مصباحی‌مقدم: به حمدالله قانون بانک مرکزی اجرایی شده و در این قانون آمده که بانک مرکزی مکلف است که بانکداری اسلامی را پیاده کند، یکی از چیزهایی که به ذهن من آمده بود این است که بپرسم آقای دکتر ابوالحسنی بانک مرکزی برای عملیاتی و اجرایی کردن این قانون چه کاری کرده و چه کار می‌خواهد کند، این نکته مهمی است.

ابوالحسنی: فرض کنید من از شما نسیمه خریدم اگر زودتر آمدم دادم شما موظفید به من تخفیف دهید؟

رضایی: اما درعین حال یادم هست یک جایی تصویب شد که برای تشویق، به جای اینکه جریمه بگیرید برای تأخیر، تشویق کنید برای زودتر دادن؛ یعنی اینکه شرعاً صحیح است و ما اجرایش کنیم خیلی هم خوب است کمک می‌کند که افراد تشویق شوند بیایند زودتر بپردازند.

ابوالحسنی: شورای پول و اعتبار سابق درحوزه مسکن مصوبه‌ای دارد که اگر زودتر تحویل دادی تا ۹۰ درصد سود را، تخفیف می‌دهند و می‌بخشند.

محمدپور: رویه‌ای که عمده بانک‌ها اجرا می‌کنند آنست که اگر شخص زودتر تسویه کرد، ۹۰ درصد بدهی بخشیده می‌شود.

مصباحی‌مقدم: خیلی ممنون خوب وقت ما تمام است.

ختم جلسه با صلواتی بر محمد و آل محمد